

بازنگری دیدگاه ابن تیمیه پیرامون مقام علمی امام رضا علیه السلام با تأکید بر کتاب منهاج السنة

مرتضی میرزایی*

سید محسن حسینی فقیه**

چکیده

ابن تیمیه با توجه به روش همیشگی خود در انکار فضایل اهل بیت علیهم السلام کوشیده است. موقعیت علمی امام رضا علیه السلام را با طرح شبهاتی مخدوش سازد و ایشان را انسانی عادی، مانند دیگران جلوه دهد. او شبهاتی نسبت به مقام علمی امام وارد کرده و مدعی شده که دیگران درباره جایگاه آن حضرت غلو کرده‌اند:

۱. ادعای اعلمیت امام علیه السلام بی دلیل بوده و میان معاصران اندیشمندانی اعلم از ایشان وجود دارند.

۲. هیچ‌یک از علمای معروف از امام روایت نقل نکرده‌اند.

۳. بزرگان فقها از أخذ حدیث از امام رضا علیه السلام رویگردان بوده‌اند.

این پژوهش کوشیده است با بررسی کلمات بزرگان و بیان شواهدی از اشکالات علمی معاصران امام رضا علیه السلام و نقل روایات موجود در کتب حدیثی و تفسیری اهل سنت، جوابی متقن به اشکالات فوق دهد و در پایان به این نتیجه رسیده است که شبهه‌های ابن تیمیه با دیدگاه بزرگان اهل سنت و شواهد موجود تعارض دارد و همگی یا نشان از جهل او دارد یا بیانگر بغض او نسبت به اهل بیت علیهم السلام است.

واژگان کلیدی: امام رضا علیه السلام، ابن تیمیه، منهاج السنة، جایگاه علمی، اهل سنت.

* دانش‌پژوه سطح چهار رشته کلام مقارن مرکز تخصصی مطالعات تطبیقی مذاهب اسلامی. (نویسنده مسئول)

alabd.1362@gmail.com

** مدرس دروس خارج حوزه علمیه خراسان. hosseini@gmail.com

مقدمه

تقی‌الدین احمد بن عبدالحلیم، معروف به «ابن تیمیه» (۶۶۱ - ۷۲۸ق) در دوران زندگی خود، با بیان عقاید و دیدگاه خود سبب تزلزل باورهای مردم شد و موجی از اعتراض‌های بزرگان و اندیشمندان را به دنبال داشت. وی تألیفات فراوانی دارد که از مشهورترین آنها کتاب *منهاج السنة النبویة فی نقض کلام الشیعة القدریه* است که در رد کتاب *منهاج الکرامته فی معرفة الامام والامامة* علامه حلی (حسن بن مطهر) نوشته است. وی با زبان و قلم تندش ابتدا مرحوم علامه را «ابن منجس» خوانده و در تمام فصل‌های کتاب خود، تا آنجا که توانسته به عقاید شیعه تاخته است. بدین‌روی بسیاری از اندیشمندان، وی را از جرگه مسلمانان خارج دانسته‌اند. او به فضایل امامان معصوم علیهم‌السلام، به ویژه امام رضا علیه‌السلام، اشکالات کبروی و صغروی وارد ساخته و بسیاری از آنها را مجعول خوانده است. با آنکه پژوهش‌هایی از سوی برخی از نویسندگان — همچون (آل مجدد شیرازی، ۱۳۹۰، ص ۴۱) و محمود السید صبیح به ترجمه عبدالحسین طالعی، بی‌تا) و (محمد محسن طوسی، بی‌تا) — صورت گرفته، اما مطالب مناسبی در خصوص موضوع این نوشتار در آنها یافت نمی‌شود؛ زیرا مقاله آل مجدد شیرازی در ذیل موضوعی دیگر است و به صورت تلویحی فقط به اشکالات ابن تیمیه در خصوص امام رضا علیه‌السلام اشاره کرده است. محمود السید صبیح نیز با اینکه به صورت مستقیم اشکالات ابن تیمیه را ذکر کرده، اما تمام اشکالات را نیاورده و جواب‌های اجمالی به اشکالات داده است. محمد محسن طوسی هم چون نگاه کلی کتابش زندگی امام رضا علیه‌السلام است، بحث مجزایی در خصوص اشکالات و جواب آنها مطرح نکرده است. بر این اساس اهمیت بحث حاضر و ضرورت آن همچنان باقی است.

ابن تیمیه با رویکرد تنقیص مقام امام علیه‌السلام علاوه بر انکار فضایل معنوی، علمی، اجتماعی و سیاسی حضرت رضا علیه‌السلام، به ایشان توهین کرده است. این نوشتار به دیدگاه وی درباره جایگاه معنوی امام رضا علیه‌السلام پرداخته و به این پرسش پاسخ داده که اشکالات وی در این باره چیست؟

اشکال اول: اعلمیت برخی اندیشمندان معاصر نسبت به امام رضا علیه السلام

ابن تیمیه اشکالات خود را با این کلام آغاز کرده که اعلمیت امام رضا علیه السلام ادعایی گزاف است؛ زیرا میان معاصران علی بن موسی علیه السلام افراد متعددی هستند که به اذعان همه قطعاً اعلم از ایشان بوده‌اند؛ افرادی همچون شافعی، اسحاق بن راهویه، احمد بن حنبل و اشتهب بن عبدالعزیز که اعلمیت ایشان زبانزد خاص و عام بوده است.^۱ (ابن تیمیه، ۱۴۰۶ق، ج ۴، ص ۶۰)

نقد و بررسی

پاسخ اول: اشتباه ابن تیمیه در مقایسه امام رضا علیه السلام با اندیشمندان معاصر ایشان

ابن تیمیه امام رضا علیه السلام را با افراد معاصر ایشان - همچون احمد، شافعی، اسحاق و دیگران - مقایسه می‌کند و سپس آنها را اعلم از امام می‌شمارد و این قیاسی ناصواب و دور از انصاف است. در این بخش با بیان خطاهای این اندیشمندان در علوم گوناگون، ناصواب بودن این مقایسه واضح می‌گردد:

۱. شافعی: محمد بن ادريس بن عباس بن عثمان بن شافع هاشمی مطلبی در سال ۱۵۰ قمری در غزه متولد شد. وی در کودکی، با وجود فقر شدید علاقه زیادی به علم داشت. در جوانی بر درس مالک، و پس از آن بر درس شاگردان ابوحنیفه حاضر شد و فقه او را نیز فراگرفت. پس از گذشت دو سال به مدینه برگشت و به فتوا دادن پرداخت. (سويد، ۱۴۱۸ق، ص ۲۵) یکی از رفتارهای منصفانه علمی شافعی آن است که هرگاه نظری می‌داد و می‌فهمید در آن خطا کرده، با شجاعت تمام از نظر خود برمی‌گشت و خوفی از اقرار به اشتباه نداشت و می‌گفت:

هیچ انسانی نیست مگر اینکه گاهی سنت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله را فراموش می‌کند. بنابراین، هرگاه به اشتباه حکمی را بر خلاف قول پیامبر بگویم، پس قول حق همان کلام رسول الله صلی الله علیه و آله است. (درية العیطة، ج ۱، ص ۱۶؛ سیوطی، ۱۴۲۹ق، ج ۱، ص ۱۶۸)

۱. ... والناس یعلمون أنه کان فی زمانه من هو أعلم منه... کالشافعی واسحاق بن راهویه و احمد بن حنبل، و اشتهب بن عبد العزیز....

اگرچه کلام شافعی وجود خارجی اشتباه را اثبات نمی‌کند، اما بیان محمد سوید در المذاهب الاسلامیه الخمسه حکایت از وقوع غفلت نسبت به رأی صحیح دارد، در حالی که در سیره امام رضا علیه السلام اصلاً اشتباه و لغزشی مشاهده نشده و کسی چنین چیزی نقل نکرده است. با این حال می‌بینیم که ابن تیمیه وی را اعلم از حضرت رضا علیه السلام می‌داند.

ابن جنید به نقل از یحیی بن معین می‌گوید: «برای هیچ مسلمانی روا نیست که به آرای شافعی نظر کند. عمل به آرای ابوحنیفه نزد من محبوب‌تر از عمل به آرای شافعی است». (بشار عواد معروف و دیگران، ۱۴۳۰ق، ج ۴، ص ۱۳۷) این تعبیر ابن معین، که گفته احمد بن حنبل در ردّ و قبول احادیث ملاک و ضابطه است (خطیب بغدادی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۶، ص ۲۶۳)، ادعای اعلمیت شافعی را نقض می‌کند؛ زیرا طبق بیان ابن معین آرا و دقت‌های علمی ابوحنیفه برتر از شافعی است. ابوحنیفه کسی است که اقرار می‌کند: «اگر شاگردی دوساله‌ام نزد امام صادق علیه السلام نبود، هلاک می‌شدم» (دهلوی، ۱۳۷۳ق، ج ۱، ص ۸) و خود را این چنین دلیل و متواضع نزد امام می‌داند. به عقیده شیعه همان علم و فضل نزد امام رضا علیه السلام و دیگر امامان معصوم علیهم السلام نیز هست. حال که آرای ابوحنیفه به اقرار ابن معین برتر از شافعی است و موقعیت او هم در مقایسه با امامان نیز معلوم است، کذب اعمالیتش نسبت به امام رضا علیه السلام معلوم می‌شود.

۲. احمد بن حنبل: احمد بن محمد بن حنبل بن هلال بن اسد، معروف به «احمد بن حنبل»، امام حنابله، و کنیه‌اش ابو عبدالله است. (خطیب بغدادی، ۱۴۱۷ق، ج ۵، ص ۱۷۸) موافقان و مخالفان درباره‌اش قلم‌فرسایی کرده‌اند. موافقان در وصف او فضایل عجیبی نقل کرده‌اند؛ تا آنجا که بخشی از فضایل، غلو در حق اوست و شباهت به معجزه دارد.^۱

برخی از تعبیر مخالفان بدین شرح است:

محمد بن محمد بروی از علمای شافعی می‌گوید: «اگر قدرت داشتیم، بر حنابله

۱. وَ يُرَوَّى أَنَّهُ لَمَّا أُقِيمَ لِصُورَةِ انْقِطَعَتْ بِنَظْمِ سَرَاوِيلِهِ فَخَشِيَ أَنْ يَسْقُطَ سَرَاوِيلُهُ فَتَكَشَفَ عَوْرَتَهُ فَحَرَّكَ سَفْتِيَهُ فِدَعَا اللَّهَ فَعَادَ سَرَاوِيلَهُ كَمَا كَانَ (ابن کثیر، ۱۴۱۸ق، ج ۱۰، ص ۳۳۵ و ۳۳۶) ... فقال أحمد فانصرفت فلما كان من الليل طرحت إلي رقعة فيها مکتوب بسم الله الرحمن الرحيم قد فعلنا ولدینا مزید. (ابن عساکر، ۱۹۹۵م، ج ۵، ص ۳۴۰) خدا به زیارت قبر احمد بن حنبل می‌آید. (ابن جوزی، بی‌تا، ص ۴۵۴)

جزیه قرار می‌دادم». (ابن عماد حنبلی، ۱۴۰۶ق، ج ۶، ص ۳۷۰)

بنا بر نقل ابن جوزی، خطیب بغدادی احمد بن حنبل را در زمره فقها نام نبرده و او را به قلت دین و تعصب متّصف کرده است. (ابن جوزی، ۱۴۱۲ق، ج ۱۶، ص ۱۳۲) فقیه بودن احمد هم محل خلاف بوده است که جماعتی وی را فقط یک محدث می‌دانستند و او را در زمره فقیهان قرار نمی‌دادند. (کثیری، ۱۴۱۸ق، ج ۱، ص ۱۴۴) دیدگاه مخالفان شاهدی بر اتفاق نداشتن امت بر علم اوست؛ چه رسد به عملیت وی. ابن تیمیه ادعا می‌کند احمد اعلم از امام رضا علیه السلام است. در حالی که فقاهت احمد محل بحث بوده و حتی خود احمد گاهی مسئله‌ای فقهی که مطرح می‌شد، از جواب عاجز بود و آن را به غیر خود، همچون ابانور^۱ ارجاع می‌داد. (ذهبی، ۱۴۰۵ق، ج ۱۲، ص ۷۵)

۳. اسحاق بن راهویه: اسحاق بن ابراهیم بن مخلد ابومحمد بن راهویه مروزی، معروف به «اسحاق بن راهویه» (م: ۲۳۸ق)، در عصر احمد بن حنبل می‌زیست. بزرگان اهل سنت برایش فضایل بسیاری قایلند؛ چنانکه ذهبی او را «امام کبیر» و «سرور حافظان» و «بزرگ مشرق‌زمین» می‌داند (همان، ج ۱۱، ص ۳۵۸) یا مزّی در وصف او می‌گوید: «یکی از امامان در حدیث، و از علمای دین است. وی جامع فقه و حدیث است و صدق و ورع و زهد در او جمع شده است». (مزی، ۱۴۰۰ق، ج ۲، ص ۳۷۳) با این وصف، سبط بن جوزی در تذکرة الخواص از قول واقدی درباره او چنین نقل می‌کند:

در سال ۲۰۰ که مأمون امام رضا علیه السلام را به مرو آورد در طول مسیر، زمانی که به نیشابور رسیدند علمای منطقه همراه با اسحاق بن راهویه خارج شدند و برای دریافت حدیث و نقل روایت از امام و تبرک به ایشان به سمت محل استقرار حضرت به راه افتادند. (سبط بن جوزی، ۱۴۲۹ق، ج ۱، ص ۶۴۹)

با توجه به این گزارش‌ها تعارض گفتار ابن تیمیه با چنین نقلی واضح می‌گردد؛ چرا که چگونه ممکن است اسحاق اعلم از امام رضا علیه السلام باشد، اما برای اینکه بتواند روایتی را از حضرت رضا علیه السلام دریافت کند و خود را به آن متبرک سازد سر از پا نشناسد؟!

۱. (ابراهیم بن خالد بن ابی الیمان، م ۲۴۰ق) یکی از فقهای بغداد مصاحب با شافعی و معاصر احمد بن حنبل. (ذهبی، ۱۴۰۵ق، ج ۲۱، ص ۳۱ در پاورقی، و ج ۱۲، ص ۷۲)

۴. اُشهب بن عبدالعزيز: اُشهب بن عبدالعزيز بن داود بن ابراهیم قیسی از بزرگان عامه است که ذهبی وی را امام، علامه و مفتی مصر معرفی می‌کند. (ذهبی، ۱۴۰۵ق، ج ۹، ص ۵۰۰) بنا بر برخی اقوال نام او «مسکین»، و لقب او «اُشهب» است. وی برجسته‌ترین شاگرد مالک بن انس بوده و شافعی در وصف او گفته است: «مصرُ افقه از اُشهب به خود ندیده است». (همان، ص ۵۰۱) با اینکه شافعی از اُشهب تعریف کرده، اما در ادامه اُشهب را دارای «طیش» معرفی نموده و این صفت خود نقص بزرگی برای اوست؛ زیرا این کلمه به معنای «سبک‌سری و کمی عقل» است. (حسینی زبیدی، ۱۴۱۴ق، ج ۹، ص ۱۳۶) وی می‌گوید: «تنها اشکال اُشهب این است که در او طیش وجود دارد». (ذهبی، ۱۴۰۵ق، ج ۹، ص ۵۰۱) حتی به تعبیر برخی، این صفت به معنای از بین رفتن عقل و جاهل شدن است. (حسینی زبیدی، ۱۴۱۴ق، ج ۹، ص ۱۳۶) این کلام شافعی جای تأمل دارد؛ زیرا اتهام سبک‌سری و سبک‌مغزی از سوی شافعی نسبت به اُشهب، لازمه اش نقض کلام ابن تیمیه است؛ آنجا که اُشهب را اعلم می‌داند! کم‌عقلی و سبک‌سری چگونه با اعلمیت سازگاری دارد؟!

نقص دیگر اُشهب نفرین او برای شافعی است. وی از ترس اینکه مذهب مالک تحت تأثیر کتاب‌های شافعی - که در ردّ مالک نوشته است - قرار بگیرد و با ورودش به مصر، مردم از این مذهب رویگردان شوند، همواره آشکارا و در سجده شافعی را نفرین می‌کرد تا از دنیا رفت. (ابن خلکان، بی‌تا، ج ۱، ص ۲۳۹) شاید همین کلام وی سبب تحریک مردم علیه شافعی شده و در نهایت به مُردن و بلکه کشته شدن او ختم گردیده باشد. (عبد المنعم، بی‌تا، پایگاه اینترنتی) هرچند ذهبی سعی کرده است که این رفتار اُشهب را با «وارد نبودن جرح معاصر» توجیه کند، (ذهبی، ۱۴۰۵ق، ج ۹، ص ۵۰۳) اما با این حال، نقص علمی و اخلاقی برای او به شمار می‌آید و مقایسه چنین شخصی با امام رضا علیه السلام را باطل می‌سازد.

پاسخ دوم: اعتراف علمای اهل سنت به اعلمیت امام رضا علیه السلام

تاریخ مکتوب اهل سنت گواه بر ارادت، تحسین و ستایش امام رضا علیه السلام از سوی کسانی است که برخلاف مسلک امامیه بوده و همواره نقدهای شدیدی بر شیعه وارد کرده‌اند؛

ولی به عظمت مقام علمی آن حضرت اعتراف نموده‌اند. اما پرسش این است که چگونه ابن تیمیه در حالی که همه جا خود را پیرو سلف دانسته، در بحث امام رضا علیه السلام دچار تناقض شده و برخلاف مبنای خود، مخالف بزرگان و سلف مشی کرده و علمیت و اعلمیت امام رضا علیه السلام را تنقیص کرده است؟

در این بخش اعترافات برخی اندیشمندان اهل سنت پیرامون جایگاه علمی حضرت رضا علیه السلام بیان می‌شود:

۱. ابن اثیر در کتاب تاریخ خود به نقل از حسن بن سهل درباره مقام علمی امام

رضا علیه السلام این چنین می‌نویسد:

«حسن بن سهل پس از مراجعت به بغداد در نامه‌ای به عیسی بن محمد خبر ولایت عهدی امام رضا علیه السلام را داد و در آن نامه نوشت: «وقتی مأمون قصد داشت ولی عهد انتخاب کند، هر چه گشت در میان بنی عباس و بنی علی علیه السلام کسی را افضل و اورع و اعلم از امام رضا علیه السلام نیافت. به همین سبب امام را ولی عهد خود قرار داد». (ابن اثیر، ۱۴۱۷ق، ج ۵، ص ۴۸۴)

۲. شمس‌الدین ذهبی، عالم، مورخ و مؤلف بزرگ اهل سنت، وقتی به نام امام

رضا علیه السلام می‌رسد با عظمت از ایشان یاد کرده، می‌گوید: «علی بن موسی الرضا علیه السلام دارای شأن و علم و بیان بسیار است و میان مردم موقعیت ممتازی دارد و به سبب همین جلالت قدر، [مأمون] ایشان را ولی عهد خود قرار داد». (ذهبی، ۱۴۰۵ق، ج ۱۳، ص ۱۲۱)

۳. به جرئت می‌توان گفت زیباترین صحنه‌ای که از ارتباط مردم و عالمان اهل سنت

با امام رضا علیه السلام در نیشابور صورت گرفته است را ابن حجر هیتمی به تصویر کشیده و نشان می‌دهد بزرگان و توده مردم به تبع عالمانشان، چه ارادت‌ی به ایشان داشتند که مشتاقانه سر از پا نمی‌شناختند و برای زیارت و دریافت حدیث از امام به سوی ایشان در حرکت بودند. ابن حجر می‌نویسد:

هنگام ورود امام رضا علیه السلام به نیشابور، ایشان بر محملی سوار بر مرکب بودند که روی آن پرده‌ای آویزان بود و چهره امام دیده نمی‌شد. در این زمان (بزرگان و سران حدیثی)، همچون حافظان و امامان حدیثی اهل سنت، مثل ابوزرعه رازی و محمد بن مسلم طوسی همراه با عده‌ای بی‌شمار از طلاب و علمای حدیث، خود را به امام رساندند و با تضرع فراوان از ایشان خواستند که روی خود را به

ایشان نشان دهد و برایشان حدیثی نقل نماید. در این هنگام، امام امر کردند مرکب توقف کند و به غلامان دستور دادند که پرده محمل را کنار بزنند و چشمان مردم با دیدن روی مبارک ایشان روشن شد. در حالی که موهای سر ایشان از دو طرف بر دوش مبارک قرار گرفته بود و مردم منتظر بودند، بعضی گریه می‌کردند و بعضی فریاد می‌کشیدند و عده‌ای خود را به خاک انداخته بودند و برخی خود را روی پای استر حامل امام انداخته بودند و وضعیت از کنترل خارج شده بود. علمای اهل سنت فریاد زدند: «معاشر الناس! أنصتوا و اسمعوا ما ینفعکم!»! آرام باشید! (آقا می‌خواهند صحبت کنن) گوش کنید تا مطلبی بشنوید که برای شما نفعی داشته باشد». ابوزرعه و ابن اسلم طوسی شروع به نوشتن کردند و امام فرمودند:

پدرم امام کاظم علیه السلام از پدرش جعفر صادق علیه السلام از پدرش زین العابدین علیه السلام از پدرش شهید کربلا علیه السلام از پدرش علی مرتضی علیه السلام نقل می‌کند که او فرمود: «قال حبیبی و قره عینی رسول الله» که جبرئیل از خدای عزیز برای پیامبر صلی الله علیه و آله نقل کرد: «کلمة لا اله الا الله حصنی، فمن قالها دخل حصنی، و من دخل حصنی امن من عذابی».

حضرت پس از این سخنرانی کوتاهی کردند و پرده‌ها را انداختند. مورخان تعداد خبرنگاران را بالغ بر بیست هزار تن گفته‌اند. (ابن حجر، بی تا، ج ۲، ص ۵۹۵)

ناقل این روایت ابوزرعه رازی است که از او به «امام» «حافظ» و «ثقه» تعبیر شده و از علمای مشهور و از امامان یازده‌گانه است؛ مردی نامدار و از بزرگان اهل سنت که ابوحاتم از وی باعظمت نام می‌برد. (همان)

در ادامه، حضرت حدیث سلسله الذهب را فرمودند که احمد درباره عظمت این حدیث گفته است: «اگر این سند بر مجنون قرائت شود شفا پیدا می‌کند.» (همان جا).

پاسخ سوم: جایگاه علمی امام رضا علیه السلام در مناظرات

از مناظراتی که امام رضا علیه السلام با دیگر اشخاص داشته است مشخص می‌شود که ایشان اعلم علمای زمان خودشان بودند؛ زیرا به زبان‌های گوناگون و کتاب‌های دیگر ادیان تسلط کامل داشتند و با توجه به منابع خودشان با آنها سخن می‌گفتند و در مناظرات خود از روش‌های عقلی و استدلالی استفاده می‌کردند (طاهری آکردی، بی تا، ص ۱۶۰؛ قرشی، بی تا، ج ۱، ص ۱۷۲) و بر اصول مشترک بین ادیان تکیه می‌نمودند؛ چنان‌که قرآن کریم خطاب به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «قل یا اهل الکتاب تعالوا الی کلمه سواء بیننا و

بینکم الا نعبد الا الله و لانشرك به شیئاً و لایتخذ بعضنا بعضاً ارباباً من دون الله». (آل عمران: ۶۴) ایشان آن چنان با دیگران فصیح بحث می کردند که خود شاهدی واضح بر تسلط ایشان بر مبانی علمی است. (خوشنویس، بی تا، ص ۹۴ - ۹۸) عنایت زیاد ایشان به احکام الهی و تسلط بر ارائه انواع ادله علمی در برابر عالمان مختلف و تسلط بر کتب سایر ادیان پیش از خود آنها (قرشی، بی تا، ج ۱، ص ۴۱۹) از دیگر ویژگی هایی است که اعلمیت امام رضا علیه السلام را بر سایرین به اثبات می رساند. بر این اساس، خطای ابن تیمیه در مقایسه ایشان با دیگر اندیشمندان واضح گردد.

بعجاست در اینجا به برخی از مناظرات امام رضا علیه السلام و کیفیت پاسخ ایشان به بزرگان مکاتب گوناگون اشاره شود تا شاهدی بر ویژگی های مزبور باشد. میان بحث های امام علیه السلام با افراد گوناگون، مناظره با جاثلیق، رأس الجالوت، عمران صابی و سلیمان مروزی از اهمیت خاصی برخوردار است. در ادامه به دو نمونه از آنها اشاره می شود:

۱. مناظره با جاثلیق یهودی

پس از آنکه امام رضا علیه السلام در جواب جاثلیق یهودی، شواهدی را از انجیل مبنی بر حقانیت بعثت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله یادآور شدند، بعد از ردّ و بدل شدن کلماتی، در آخر جاثلیق خطاب به امام علیه السلام گفت: «بہتر است دیگر سؤالی نکنم. سوگند به حقّ مسیح که من فکر نمی کردم میان علمای مسلمان کسی مثل شما وجود داشته باشد». (طبرسی، بی تا، ج ۲، ص ۴۱۶)

۲. مناظره با عمران صابی (دانشمند شبه مادی)

عمران صابی، درباره «اثبات وحدانیت خدا و هدف از آفرینش و نیز اینکه اگر آفرینش از عدم صورت گرفته و هیچ ماده ای در کار نبوده، این امری غیر متصور» از امام رضا علیه السلام پرسید. وقتی او در برابر سؤال خود، جواب منطقی و دقیق حضرت را مشاهده کرد که چقدر زیبا بی نیازی خدا به خلق را ترسیم کردند و مبنای مادی گریانه وی را ابطال ساختند، به ایشان عرض کرد: «گواهی می دهم که خداوند تعالی همان گونه است که توضیح دادید و به یکتایی و صفش نمودید و گواهی می دهم که محمد صلی الله علیه و آله بنده اوست که به نور هدایت و دین حقّ مبعوث شده است». آن گاه رو به قبله، به سجده افتاد و اسلام آورد. (ابن ندیم، ۱۴۱۷ق، ج ۱، ص ۳۰۱)

پاسخ چهارم: جایگاه امام در علوم گوناگون در نهضت ترجمه

از مهم‌ترین ویژگی‌های عصر امام رضا علیه السلام نهضت ترجمه کتب غیر اسلامی بود که در زمان هارون ایجاد، و به دستور مأمون، توسط گروهی از مترجمان برجسته در «بیت الحکمه» به ریاست یوحنا ماسویه به طور جدی پیگیری شد. ابن ندیم درباره علم دوستی مأمون می‌گوید:

مأمون گروهی از مترجمان معروف، همچون حجاج بن مطر بن بطریق، حنین بن اسحاق و یوحنا بن ماسویه را، که به زبان‌های گوناگون آشنایی داشتند، به سرزمین روم فرستاد و آنان نیز سیل عظیمی از کتاب‌های یونانی و رومی را به جهان اسلام آوردند. (همان‌جا)

برای تشویق بیشتر مترجمان و ایجاد انگیزه کافی در آنها، مأمون برای هر ترجمه به وزن آن طلا به مترجم می‌داد؛ چنان‌که حنین بن اسحاق، که سرآمد مترجمان بود، هر کتابی را که ترجمه می‌کرد، به اندازه وزنش از مأمون طلا دریافت می‌کرد. (زرین‌کوب، بی‌تا، ص ۴۹) با وجود فواید ترجمه، مشکلات متعدد دیگری نیز وجود داشت؛ همچون تعصب مترجمان مذاهب غیر اسلامی برای نشر عقاید انحرافی و خرافاتی خود که سبب می‌شد جامعه نیز به انحراف کشیده شود و در مقابل، کسی که بتواند آثار علمی بیگانگان را ارزیابی کند وجود نداشت. بر همین اساس، وجود برخی فرقه‌ها و کتب ایشان، که عقل‌گرایی را مطابق کتب یونانی و سریانی ترویج می‌دادند، سبب شد عده زیادی به عقیده اعتزال گرایش پیدا کنند و بر این باور شدند که تنها منبع معرفتی، عقل است و نیازی به وحی نداریم. در این فضا مسئولیت امام رضا علیه السلام افزایش یافت و با تبیین معارف دینی، راه و رسم تحقیق و تحصیل علم را به مردم معرفی کردند تا از انحراف نجات پیدا کنند. (مکارم شیرازی، ۱۳۸۸ش، ص ۲۶ - ۲۷)

یکی از عقاید باطل در مسئله خداشناسی، عقیده «تجسیم و تشبیه» است. ذهبی در کتاب خود عبارات بزرگانی از اهل سنت را به همراه آرائشان نسبت به موضوع «توحید» یادآور می‌شود که نشان می‌دهد تجسیم و تشبیه و امثال آن درباره خداوند متعال به شدت رواج داشته و این انحراف میان توده مردم در حال شکل‌گیری بوده است.

با انحراف امامان اهل سنت و ائمه حدیث، چه انتظاری از عموم مردم می‌رود که به این عقاید باطل معتقد نشوند؟! وقتی از احمد بن حنبل سؤال شد آیا خدا بالای آسمان

هفتم و بر عرش قرار دارد، در جواب گفت: «بله، او بر روی عرش است و به همه عالم تسلط دارد». (ذهبی، ۱۴۱۶ق، ج ۱، ص ۱۷۶) همین سؤال را نیز از ابوزرعه رازی (امام در حدیث اهل سنت) پرسیدند که رأی تو در تفسیر آیه «الرحمن علی العرش استوی» چیست؟ او با ناراحتی و خشم جواب داد: «تفسیر آیه همان است که خود آیه می‌گوید»؛ (همان، ج ۱، ص ۱۸۶)؛ یعنی طبق ظاهر آیه خدا بر عرش است و تفسیر آن هم غیر از ظاهر آن نیست. در چنین فضایی امام رضا علیه السلام اهتمام ویژه‌ای به تبیین حقیقت توحید داشتند و بدین‌روی امروزه در منابع روایی بیشترین روایات و بحث‌های توحیدی از ایشان رسیده است.

با وجود کتب فراوانی که ترجمه شد، فرقه‌های مختلفی هم از درون جامعه اسلامی و شیعی بروز کرد و امام علیه السلام برای حفظ فرقه قطعیه (که همان شیعیان واقعی و معتقد به امامت ایشان بودند) از گزند آسیب تبلیغات فرقه‌های انحرافی با بزرگان این فرقه‌ها بحث می‌کردند که برخی از این مباحثات نیازمند سفرهای متعدد به شهرهای گوناگون بود که امام بدانجا عزیمت می‌کردند. (فضل‌الله، ۱۳۶۱ش، ص ۱۶۱؛ مرتضوی، ۱۳۷۵ش، ص ۲۸ - ۳۰)

امام رضا علیه السلام این چنین اسلام را با رویکرد عقلانی معرفی می‌کردند که این آثار و برکات فراوانی داشت؛ از جمله: با این رویکرد راه بسیاری از مغالطه‌ها و مجادله‌های غیر منطقی بسته شد و بطلان بسیاری از فرقه‌ها و تفکرات رایج در آن زمان، واضح گشت و برای آیندگان هم راهی هموار ایجاد شد تا مسلمانان بتوانند با نگرش فکری ایجادشده جامعه اسلامی را از خطرات و انحرافات محافظت کنند. (شریعتمداری، ۱۳۶۶ش، ج ۱، ص ۱۷۸) تأثیر امام رضا علیه السلام بر فضای علمی فقط در دایره دنیای اسلام نبود، بلکه علوم و فضایل آن حضرت به صورت بین‌المللی درآمد؛ به‌گونه‌ای که این واقعیت برای علمای غیر مسلمان از لابه‌لای گفت‌وگوها و مناظرات ایشان واضح و آشکار است. (سبحانی‌نژاد، ۱۳۸۸ش، ص ۱۲)

اشکال دوم: عدم نقل روایت از امام رضا علیه السلام از سوی اهل علم

ابن تیمیه می‌گوید: «هیچ عالمی نیست که حتی یک حدیث از امام رضا علیه السلام اخذ کرده

باشد»^۱ (ابن تیمیه، ۱۴۰۶ق، ج ۴، ص ۶۰)

نقد و بررسی

علی‌رغم ادعای ابن تیمیه، روایات متعددی در کتاب‌های حدیثی (اعم از صحاح و غیر صحاح) و تفسیری اهل سنت آمده و هرکدام از روایات نیز در کتب گوناگونی بیان شده است. ضمن نقل تعدادی از آنها، به برخی از کتب نیز به اختصار اشاره می‌شود:

پاسخ اول: روایات غیر تفسیری امام رضا علیه السلام

روایت اول: «الإيمان معرفة بالقلب وقول باللسان وعمل بالأركان».

این حدیث را بزرگانی مانند ابن ماجه قزوینی، (ابن ماجه، ۱۴۳۰ق، ج ۱، ص ۴۶) طبرانی، (طبرانی، بی‌تا، ج ۶، ص ۲۲۶) خطیب بغدادی، (خطیب بغدادی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۲، ص ۳۱۵) مزّی، (مزّی، ۱۴۰۰ق، ج ۱۸، ص ۸۲) ذهبی (ذهبی، ۱۴۰۵ق، ج ۱۵، ص ۴۰۰) و سبکی (سبکی، ۱۴۱۳ق، ج ۱، ص ۱۱۹) از امام رضا علیه السلام ذکر کرده‌اند.

روایت دوم: «أنا مدينة العلم وعلي بابها، فمن أراد المدينة فليأتها من بابها».

این روایت نیز در کتب بزرگان متعددی آمده است؛ مانند: طبری، (طبری، بی‌تا، ج ۳، ص ۱۰۵) طبرانی، (طبرانی، بی‌تا، ج ۱۱، ص ۶۵) حاکم نیشابوری، (حاکم نیشابوری، ۱۴۱۱ق، ج ۳، ص ۱۳۷) خطیب بغدادی، (خطیب بغدادی، ۱۴۱۷ق، ج ۳، ص ۶۵۵) ابن عساکر، (ابن عساکر، ۱۹۹۵م، ج ۴۲، ص ۳۷۹) ابن اثیر، (ابن اثیر، ۱۴۰۹ق، ج ۳، ص ۵۹۷) مزّی، (مزّی، ۱۴۰۰ق، ج ۱۸، ص ۸۲)

روایت سوم: «إني أنا الله لا إله إلا أنا، من أقر لي بالتوحيد دخل حصني، ومن دخل حصني أمن من عذابي».

برخی کتب که این حدیث را آورده‌اند عبارتند از: *الرابع من فوائد أبي عثمان البحيري*، (بحیری، ۲۰۰۴م، ج ۱، ص ۸۳) *حلیة الاولیاء*، (ابونعیم الأصبهانی، ۱۳۹۴ق، ج ۱، ص ۴۷۹) تاریخ مدینه دمشق، (ابن عساکر، ۱۹۹۵م، ج ۳۴، ص ۱۰۱) روایت چهارم: «أعلم خزائن ومفتاحها السؤال، فاسألوا یرحمکم الله، فإنه یؤجر فیہ أربعة: السائل والمعلم والمستمع والمجیب لهم».

۱... هذا ولم يأخذ عنه أحد من أهل العلم بالحدیث شینا ...

این حدیث حسن و معتبر است و ابونعیم اصفهانی آن را نقل کرده است. (ابونعیم الأصبهانی، ۱۳۹۴ق، ج ۱، ص ۴۷۹) همچنین از طرق دیگری نیز رسیده است. (بحیری، ۲۰۰۴م، ج ۱، ص ۶۱)

پاسخ دوم: روایات تفسیری امام رضا علیه السلام

علاوه بر روایات غیر تفسیری، احادیث تفسیری نقل شده از امام رضا علیه السلام هم در منابع اهل سنت به چشم می‌خورد. این درحالی است که ابن تیمیه وجود هرگونه روایت را در صحاح و غیر آن نفی می‌کرد. برخی از روایات عبارتند از:

۱. تفسیر آیه «بمحو الله ما يشاء ويثبت» (رعد: ۳۹)

امام رضا علیه السلام از پدرانشان نقل می‌کنند که «بمحو الله ما يشاء ويثبت»، یعنی خداوند چیزهایی همچون کفر، منکر، غفلت، بغض، ضعف، جهل، شک و هواپرستی را محو و در مقابل آن، ایمان، معروف، ذکر، محبت، قوت، یقین و عقل را ثابت نگه می‌دارد. (سلمی، ۱۴۲۱ق، ج ۱، ص ۳۵۵)

این روایات غالباً از ابوالقاسم اسکندرانی نقل شده که از نظر اعتبار مقبول است.^۱

۲. تفسیر «بسم الله الرحمن الرحيم»

امام رضا علیه السلام از پدران گرامیشان در تفسیر «بسم الله» می‌فرماید: «بای آن نشانه بقای خداست، سین علامت اسمای الهی است، میم ملک اوست...». (همان، ۱۴۲۱ق، ج ۱، ص ۱۰۶)

۳. تفسیر سوره حمد، حکم جهر بسمله

ثعلبی از امام رضا علیه السلام نقل می‌کند:

آل پیغمبر بر سه مطلب اجتماع دارند: اول «بسم الله الرحمن الرحيم» را باید بلند و آشکار گفت. دوم قضای نماز شب در روز آن شب قضا شود. سوم نسبت به ابوبکر و عمر و صاحب آن دو (که ظاهراً مراد عثمان است) بهترین گفتار بیان شود. (ثعلبی، ۱۴۲۲ق، ج ۱، ص ۱۰۶)

۴. تفسیر آیه: «واعتصموا بحبل الله جميعاً» (آل عمران: ۱۵۳)

حسین بن خالد از امام رضا علیه السلام به نقل از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله روایت می‌کند که هرکه

۱. نرم افزار جوامع الکلم، ذیل عیسی بن عبدالعزیز

می خواهد هم بر کشتی نجات سوار شود و هم به عروة الوثقی چنگ زند و به جبل الله المتین اعتصام کند، پس باید ولایت علی بن ابی طالب علیه السلام و فرزندانش را داشته باشد. (حسکانی، بی تا، ج ۱، ص ۱۵۸)

۵. تفسیر آیه: ﴿وَلَقَدْ آتَيْنَاكَ سَبْعًا مِنَ الْمَثَانِي﴾ (حجر: ۸۷)

اسکندرنانی به سندش از امام رضا علیه السلام در تفسیر این آیه نقل می کند: خدا به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: ما به تو نعمتهایی دادیم تو را اکرام کردیم، به سوی تو نازل کردیم، تو را فرستادیم، به تو الهام نمودیم، تو را هدایت ساختیم و تو را مسلط گرداندیم. بعد از اینها تو را به هفت چیز تکریم کردیم: به هدایت، نبوت، رحمت، شفقت، مودت و الفت، نعیم و نعمت بزرگ و در آخر هم سکینه و قرآن را که در آن اسم اعظم خدا وجود دارد به تو عطا کردیم. (سلمی، ۱۴۲۱ق، ج ۱، ص ۳۸۲)

۶. تفسیر آیه: ﴿أَفَرَأَيْتَ مَنِ اتَّخَذَ الْهَلْهَلَهُ هَوَاهُ﴾ (جاثیه: ۲۳)

آلوسی حدیثی قدسی از امام رضا علیه السلام نقل می کند که حضرت فرمودند: «هرکه آخرین کلامش در این دنیا کلمه "لا اله الا الله" باشد، بدون حساب وارد بهشت خواهد شد». (آلوسی، ۱۴۱۵ق، ج ۱۳، ص ۲۱۶)

۷. تفسیر آیه ﴿اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ سَبْعَ سَمَاوَاتٍ وَمِنَ الْأَرْضِ مِثْلَهُنَّ﴾ (طلاق: ۱۲)

آلوسی ذیل این آیه روایتی از حسین بن خالد از امام رضا علیه السلام می آورد که حضرت هفت آسمان و هفت زمین را شرح دادند و مصادیق آن را تبیین کردند. (آلوسی، ۱۴۱۵ق، ج ۱۴، ص ۳۳۹)

پاسخ سوم: ارتکاز عقلانی

یک اصل مشترک بین عقلا آن است که برای مشاهده دقت علمی و امتیاز شخصی که در گذشته، دقت می کنند بینند او بدخواهان زیادی داشته و شخصیت های حقوقی و حقیقی فراوانی قصد جلوگیری از گسترش محبوبیت وی را داشته اند و به سانسور و تحریف آثار او اقدام کرده اند یا نه. در صورت وجود چنین فضایی هیچ گاه عدم نقل کلمات او را نقص بر وی به حساب نمی آورند، بلکه بر آن می شوند تا از همین عدم نقل، زمینه عظمت و تأثیر گذاری او در جامعه را همراه با جمع قرائن به اثبات برسانند. درباره امام رضا علیه السلام دقیقاً همین موضوع مشهود است: با اصراری که خلفا پس از غضب

خلافت و بر کنار زدن اهل بیت علیهم السلام داشتند، حاکمان اموی و عباسی نیز همین شیوه را در پیش گرفتند و در زمان امام رضا علیه السلام با همین قصد کوشیدند آن حضرت را کنار بزنند. بنابراین جلوگیری از نقل کلمات و روایات ایشان طبیعی است و این را نمی توان نقدی بر علم و فضل ایشان دانست.

اشکال سوم: رویگردانی بزرگان فقها در نقل حدیث از امام رضا علیه السلام

ابن تیمیه معتقد است: نقل حدیث بسیاری از فقهای اهل سنت از علی بن موسی الرضا علیه السلام، دروغی بیش نیست، بلکه مشهور فقها روایت معروفی از ایشان نقل نکرده اند؛ اگر هم نقلی رسیده توسط برخی افرادی است که از فقها به حساب نمی آیند. طبق مرسوم آن زمان، عالمان از افراد متوسط در فقه، بلکه حتی از افرادی پایین تر از خود حدیث نقل می کردند؛ اما فقها خیر، چنین کاری در میانشان مرسوم نبود.^۱ (ابن تیمیه، ۱۴۰۶ق، ج ۴، ص ۶۱)

نقد و بررسی

پاسخ: کلام ذهبی

شاید بهترین جواب به این اشکال ابن تیمیه، عبارت ذهبی باشد؛ آنجا که می نویسد: علی بن موسی الرضا علیه السلام شخصیتی است دارای شأن و منزلت بالا، صاحب علم و بیان، و جایگاه ویژه ای نزد مردم دارد. مأمون هم به خاطر جلالت قدر آنحضرت، ایشان را ولی عهد خود قرار داد. (ذهبی، ۱۴۰۵ق، ج ۱۰، ص ۲۸۳)

ابن ماجه (ابن ماجه، ۱۴۳۰ق، ج ۱، ص ۴۶) و ابن حجر (ابن حجر، ۱۳۲۶ق، ج ۷، ص ۳۸۷)، برخلاف رأی ابن تیمیه نظر داده اند: ابن حجر تصریح می کند که برخی بزرگان اهل حدیث از حضرت رضا علیه السلام روایت نقل می کردند، در حالی که ابن تیمیه آشکارا این امر را منکر شده است.

علاوه بر این، اشتیاق فراوان اسحاق بن راهویه در نیشابور برای نقل روایت از امام رضا علیه السلام و متبرک ساختن خود به حضرت (سبط بن جوزی، ۱۴۲۹ق، ج ۱، ص ۶۴۹)

۱... وأما قوله: "إنه أخذ عنه فقهاء الجمهور كثيرا" فهذا من أظهر الكذب. هؤلاء فقهاء الجمهور المشهورون لم يأخذوا عنه ما هو معروف، وإن أخذ عنه بعض من لا يعرف من فقهاء الجمهور فهذا لا ينكر، فإن طلبه الفقهاء قد يأخذون عن المتوسطين في العلم، ومن هم دون المتوسطين....

از دیگر نمونه هایی است که جایی برای این اشکال ابن تیمیه باقی نمی‌گذارد.

نتیجه

با توجه به کلمات بزرگان اهل سنت و تعبیری که در خصوص امام رضا علیه السلام دارند، اشکالات ابن تیمیه بر موقعیت علمی امام وارد نیست. برتری علمی امام در موقعیت های گوناگون همچون مناظرات ایشان با بزرگان اقوام و ادیان و ضعف علمی معاصران امام رضا علیه السلام، اختلافات خود اهل سنت در فقیه دانستن احمد بن حنبل و تقدیم آرای ابوحنیفه بر شافعی، شیفتگی اسحاق بن راهویه سنی به امام رضا علیه السلام و نیز سبک عقل شمردن اشهب بن عبدالعزيز توسط اهل سنت (شخصیتی که ابن تیمیه او را برتر از امام رضا علیه السلام دانسته) سبب می‌شود ادعای ابن تیمیه باطل گردد و در نهایت، این نتیجه به دست می‌آید که اصرار ابن تیمیه بر نفی موقعیت برتر علمی امام رضا علیه السلام، نشان از بی‌انصافی و عداوت او نسبت به امام رضا علیه السلام دارد که با وجود روایات متعدد تفسیری و غیر تفسیری از امام، باز هم منکر نقل روایات ایشان در منابع حدیثی شده است.

فهرست منابع

۱. قرآن کریم.
۲. ابن اثیر، عزالدین بن الاثیر (۱۴۰۹ق)، *أسد الغابه*، بیروت، دار الفکر، جلد ۳.
۳. ابن اثیر، علی بن ابی الکریم (۱۴۱۷ق)، *الکامل فی التاریخ*، تحقیق عمر عبدالسلام تدمری، بیروت، دارالکتاب العربی، چاپ اول، جلد ۵.
۴. ابن عماد حنبلی، عبدالحی بن احمد (۱۴۰۶ق)، *شذرات الذهب فی اخبار من ذهب*، تحقیق محمود أرنؤوط، بیروت، دار ابن کثیر، جلد ۶، چاپ اول.
۵. ابن تیمیه، احمد بن عبدالحلیم (۱۴۰۶ق)، *منهاج السنه النبویه فی نقض کلام الشیعه القدریه*، تحقیق محمد رشاد سالم، ریاض، جامعه الامام محمد بن سعود الاسلامیه، چاپ اول، جلد ۴.
۶. ابن جوزی، ابوالفرج عبدالرحمن بن علی، *مناقب الامام احمد بن حنبل*، ریاض، مکتبه الخانجی، چاپ اول.
۷. (۱۴۱۲ق)، *المنتظم فی تاریخ الأمم و الملوک*، تحقیق محمد عبدالقادر عطا و مصطفی عبدالقادر عطا، بیروت، دار الکتب العلمیه، چاپ اول، جلد ۱۶.
۸. ابن حجر عسقلانی، ابوالفضل احمد بن علی (۱۳۲۶ق)، *تهذیب التهذیب*، هند، دائرة المعارف النظامیه، چاپ اول، جلد ۷.
۹. ابن حجر هیتمی، احمد بن محمد، *الصواعق المحرقة علی اهل الرفض و الضلال و الزندقه*، لبنان، مؤسسه الرساله، جلد ۲.
۱۰. ابن خلکان، شمس الدین احمد بن محمد، *وفیات الأعیان و انباء انباء الزمان*، تحقیق احسان عباس، بیروت، دار صادر، جلد ۱.
۱۱. ابن عساکر، ابوالقاسم علی بن حسن (۱۹۹۵م)، *تاریخ مدینه دمشق*، تحقیق محب الدین ابوسعید عمر بن غرامه عمري، بیروت، دار الفکر، جلد ۵ و ۳۴ و ۴۲.
۱۲. ابن کثیر، اسماعیل بن عمر (۱۴۱۸ق)، *البدایة و النهایه*، تحقیق عبدالله بن عبدالمحسن ترکی، بیروت، دار هجر، چاپ اول، جلد ۱۰.
۱۳. ابن ماجه، محمد بن یزید (۱۴۳۰ق)، *سنن ابن ماجه*، تعلیقات ارنؤوط، بی جا، دارالرساله العالمیه، چاپ اول، جلد ۱.
۱۴. ابن ندیم، ابوالفرج محمد بن إسحاق (۱۴۱۷ق)، *الفهرست*، تحقیق ابراهیم رمضان، بیروت، دارالمعرفه، چاپ دوم، جلد ۱.
۱۵. ابونعیم اصبهانی، احمد بن عبدالله (۱۳۹۴ق)، *حلیة الأولیاء و طبقات الأصفیاء*، مصر، السعاده، جلد ۱.

۱۶. آلوسی، محمود بن عبدالله (۱۴۱۵ق)، *روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی*، تحقیق علی عبدالباری عطیه، بیروت، دار الکتب العلمیه، چاپ اول، جلد ۱۳ - ۱۴.
۱۷. بحیری، ابوعثمان سعید بن محمد (۲۰۰۴م)، *الرابع من فوائد ابی عثمان البحیری*، مخطوط نُشر فی برنامج جوامع الكلم، چاپ اول، جلد ۱.
۱۸. بستانی، قاسم (۱۳۸۸ش)، *الامام الرضا علیه السلام فی تفاسیر اهل السنه*، پژوهش های اسلامی، شماره ۵، زمستان، سال دوم.
۱۹. بشارعواد و دیگران (۱۴۳۰ق)، *موسوعه اقوال یحیی بن معین فی الجرح و التعديل و علل الحدیث*، بیروت، دار الغرب الاسلامی، چاپ اول، جلد ۴.
۲۰. ثعلبی، ابواسحاق احمد بن محمد (۱۴۲۲ق)، *الکشف و البیان عن تفسیر القرآن*، تحقیق امام ابی محمد بن عاشور، بیروت، دار احیاء التراث العربی، چاپ اول، جلد ۱.
۲۱. حاکم نیشابوری، محمد بن عبد الله (۱۴۱۱ق)، *المستدرک علی الصحیحین*، تحقیق مصطفی عبدالقادر عطا، بیروت، دار الکتب العلمیه، چاپ اول، جلد ۳.
۲۲. حسکانی، ابوالقاسم عبیدالله بن عبدالله (بی تا)، *شواهد التنزیل لقواعد التفضیل فی الآیات النازله فی اهل البیت*، تحقیق محمدباقر محمودی، مشهد، مؤسسه الطبع و النشر، چاپ دوم، جلد ۱.
۲۳. حسینی زبیدی، محمد مرتضی (۱۴۱۴ق)، *تاج العروس من جواهر القاموس*، تحقیق علی هلالی و سیری علی، بیروت، دار الفکر، چاپ اول، جلد ۹.
۲۴. خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی (۱۴۱۷ق)، *تاریخ بغداد*، تحقیق مصطفی عبدالقادر عطا، بیروت، دار الکتب العلمیه، چاپ اول، جلد ۳ و ۵ و ۱۲.
۲۵. خوشنویس، احمد، *فضایل علمی و اخلاقی امام هشتم علیه السلام*، بی جا، بی نا.
۲۶. دریه العیظه، «*فقه العبادات علی المذهب الشافعی*»، برگرفته از پایگاه کتابخانه مدرسه فقهت، بخش اهل سنت، در: <http://lib.efatwa.ir/1/43877>
۲۷. دهلوی، شاه عبدالعزیز (۱۳۷۳ق)، *مختصر التحفه الاثنی عشریه*، ترجمه اسلمی، تحقیق محب الدین خطیب، قاهره، المطبعه السلفیه، جلد ۱.
۲۸. ذهبی، شمس الدین محمد بن احمد (۱۴۰۵ق)، *سیر اعلام النبلاء*، تحقیق مجموعه من المحققین بإشراف الشیخ شعیب أرنؤوط، بیروت، مؤسسه الرساله، چاپ سوم، جلد ۹ و ۱۰ و ۱۲ و ۱۳.
۲۹. _____ (۱۴۱۶ق)، *العلو للعلی الغفار فی ایضاح صحیح الأخبار و سقیمها*، تحقق ابو محمد اشرف بن عبدالمقصود، ریاض، مکتبه أضواء السلف، چاپ اول، جلد ۱.

۳۰. زرین کوب، عبدالحسین (بی تا)، *کارنامه اسلام*، بی جا، بی نا.
۳۱. سبحانی نژاد، مهدی و نوروزی، محمد (۱۳۸۸ش)، «پایگاه علمی حضرت رضا علیه السلام در اصلاح و شکوفاسازی علوم دوران خود»، مجله مشکات، شماره ۱۰۵، زمستان.
۳۲. سبط بن جوزی، یوسف بن فزّأوغلی (قزغلی) (۱۴۲۹ق)، *تذکره الخواص المعروف بتذکره خواص الأمه فی خصائص الأئمه*، تحقیق عامر نجار، مکتبه الثقافه الدینیّه، چاپ اول، جلد ۱.
۳۳. سبکی، تاج الدین عبدالوهاب بن علی (۱۴۱۳ق)، *طبقات الشافعیه الکبری*، تحقیق محمود محمد طنّاحی و عبدالفتاح محمد حلّو، بی جا، بی نا، چاپ دوم، جلد ۱.
۳۴. سلمی، ابو عبدالرحمن محمد بن حسین (۱۴۲۱ق)، *تفسیر السالمی و هو حقائق التفسیر*، تحقیق سید عمران، بیروت، دار الکتب العلمیه، چاپ اول، جلد ۱.
۳۵. سیوطی، عبدالرحمن بن ابی بکر (۱۴۲۹ق)، *الشّافی العی علی مسند الشّافی*، تحقیق عبدالرزاق بن اسعدالله، ریاض، جامعه أم القرى، جلد ۱.
۳۶. شریعتمداری، علی (۱۳۶۶ش)، *ویژگی های حضرت رضا علیه السلام*، مجموعه آثار دومین کنگره حضرت رضا علیه السلام، بی جا، بی نا، جلد ۱.
۳۷. طاهری آکردی، محمدحسین، *پیشینه تاریخی گفتگوی اسلام و مسیحیت با تأکید بر دیدگاه شیعه و کاتولیک*، بی جا، بی نا.
۳۸. طبرانی، سلیمان بن احمد، *المعجم الاوسط*، تحقیق طارق بن عوض الله، قاهره، دار الحرمین، جلد ۶.
۳۹.، *المعجم الکبیر*، تحقیق حمّدی بن عبدالمجید سلفی، قاهره، مکتبه ابن تیمیّه، چاپ دوم، جلد ۱۱.
۴۰. طبرسی، فضل حسن (۱۴۱۷ق)، *الإحتجاج علی اهل اللجاج*، قاهره، المکتبه الشامله، جلد ۲.
۴۱. طبری، محمد بن جریر، *تهذیب الآثار و تفصیل الثابت عن رسول الله من الأخبار*، جلد، تحقیق محمود محمد شاکر، قاهره، مطبعه المدنی، المکتبه الشامله.
۴۲. عبدالمنعم، محمد مصطفی، «اکاذیب تاریخیه (۱): أشهب بن عبدالعزیز هو قاتل الإمام الشافعی»، برگرفته از پایگاه: <https://mqqa.com/2018/05/>
۴۳. فضل الله، محمدجواد (۱۳۶۱ش)، *تحلیلی از زندگانی امام رضا علیه السلام*، ترجمه سید محمد صادق عارف، مشهد، بنیاد پژوهش های آستان قدس رضوی.
۴۴. سوید، قاضی محمد (۱۴۱۸ق)، *المذاهب الإسلامیه الخمسه و المذهب الموحّد*، بیروت، دار التقرب بین المذاهب الإسلامیه، چاپ دوم.
۴۵. قرشی، محمدباقر شریف، *پژوهشی دقیق در زندگانی امام علی بن موسی الرضا علیه السلام*، جلد ۱،

- ترجمہ سید محمد صالحی، قاہرہ، المكتبة الشاملة.
۴۶. کثیری (۱۴۱۸ق)، *السلفیہ بین اهل السنہ والإمامیہ*، بیروت، الغدیر، چاپ اول، جلد ۱.
۴۷. مرتضوی، سید محمد (۱۳۷۵ش)، *نہضت کلامی در عصر امام رضا علیہ السلام*، مشهد، مؤسسہ چاپ و انتشارات آستان قدس رضوی.
۴۸. مزّی، یوسف بن عبدالرحمن (۱۴۰۰ق)، *تہذیب الکمال فی أسماء الرجال*، تحقیق بشار عواد معروف، چاپ اول، جلد ۲ - ۱۸.
۴۹. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۸۸ش)، *مناظرات تاریخی امام علی بن موسی الرضا علیہ السلام با پیروان مذاہب و مکاتب مختلف*، مشهد، آستان قدس رضوی، چاپ دوم.

